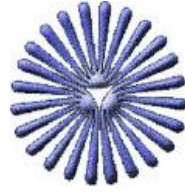


بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور مشهد

گروه علمی: الهیات

عنوان پایان نامه:

بررسی اعاده حیثیت در امور کیفری در فقه و حقوق

موضوعه

نگارش:

علی مختاری

استاد راهنما:

دکتر عباسعلی سلطانی

استاد مشاور:

دکتر محمدعلی داوریار

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی

بهار ۱۳۸۹



دانشگاه پیام نور
خراسان رضوی
باسم تعالی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تصویب نامه پایان نامه

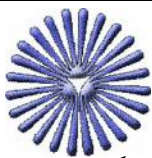
" که توسط آقای بررسی اعاده حیثیت در امور کیفری در فقه و حقوق موضوعه پایان نامه تحت عنوان :
خانم **علی مختاری** دانشجوی دوره **کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق /**
اسلامی مرکز مشهد تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع : ۸۹/۳/۲۷ نمره : ۱۹ درجه ارزشیابی : عالی

اعضاء هیات داوران:

نام و نام خانوادگی امضاء	مسئولیت	مرتبه علمی
دکتر عباسعلی سلطانی	استاد راهنما	استادیار
دکتر محمدعلی داوریار	استاد مشاور	استادیار
دکتر احمد علی هاشمی	استاد داور	استادیار
دکتر زهرا گواهی	نماینده گروه آموزشی	استادیار

تغییرات لازم:



دانشگاه پیام نور

فرم چکیده پایان نامه تحصیلی دوره تحصیلات تکمیلی

نام و نام خانوادگی: مختاری	نام: علی
استاد یا اساتید راهنما: دکتر عباسعلی سلطانی	استاد یا اساتید مشاور: دکتر محمدعلی داوریار
دانشگاه: پیام نور مشهد	رشته: الهیات
گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی	مقطع: کارشناسی ارشد
تاریخ دفاع:	تعداد صفحات:
عنوان پایان نامه: بررسی اعاده حیثیت در امور کیفری در فقه و حقوق موضوعه	
کلید واژه ها: اعاده حیثیت، محکومیت کیفری، افتراء، توهین، هتک حرمت	
<p>چکیده:</p> <p>اعاده حیثیت عبارت است از ((بازگرداندن اعتبار، آبرو و حقوق سلب شده از بزه دیدگان (کلیه کسانی که دیگران حیثیت آنها را زایل کرده اند) و مجرمین و رفع کلیه محرومیت های حقوقی اجتماعی و آثار ناشی از محکومیت قطعی کیفری پس از اجرای مجازات در مدت معین از سابقه محکوم علیه به صورتی که در قانون پیش بینی شده است)).</p> <p>اعاده حیثیت در واقع جبران خسارت معنوی وارده به اشخاص است و در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مورد توجه واقع شده است. حیثیت اشخاص به دو طریق زایل می شود. الف) از طرف دیگران: در مواردی نظیر اشتباه و تقصیر قاضی، هتک حرمت، قذف و اتهامات واهی که در این موارد، اعاده حیثیت شاکی یا مدعی خصوصی به نحو مقتضی تا حد ممکن ضروری است. البته در خصوص نحوه اعمال اعاده حیثیت در موارد یاد شده قوانین ما ساکت است، که با توجه به استدلالهای محکم فقهی ارائه شده، اعاده حیثیت افراد بسیار ضروری است. ب) از طرف خود شخص: که با ارتکاب جرم از سوی خود شخص حیثیت او زایل می شود و هدف از این نوع اعاده حیثیت بر طرف نمودن محرومیت های اجتماعی است. در این رابطه نیز قوانین ما ساکت است، و این نواقص و ایرادات شایسته حکومت اسلامی نمی باشد، که در این زمینه پیشنهادات خوبی ارائه گردیده است.</p>	
امضا استاد یا اساتید راهنما	

علايم اختصارى

قانون اساسى	ق.ا.
قانون مجازات اسلامى	ق.م.ا.
قانون مجازات عمومى	ق.م.ع.
قانون آيين دادر	ق.ا.د.ك.
قانون آيين دادرسى مدنى	ق.ا.د.م.
قانون مسئوليت مدنى	ق.م.م.
قانون مدنى	ق.م.
شماره	ش
صفحه	ص
جلد	ج
سال	س

صفحه	فهرست مطالب
۱	مقدمه :
۱۱	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۱۲	بخش اول: شناخت معنا و مفهوم اعاده حیثیت
۱۲	۱- واژه شناسی
۱۳	۲- تعاریف اعاده حیثیت
۱۳	۲-۱- تعریف لغوی
۱۴	۲-۲- تعریف عرفی
۱۴	۲-۳- تعریف اصطلاحی
۱۴	۲-۳-۱- تعریف حقوقی
۱۷	۲-۳-۲- تعریف قانونی
۱۸	بخش دوم: تعاریف، توضیح و تبیین اصطلاحات مورد استفاده در بحث
۶۷	بخش سوم: سابقه و تاریخچه اعاده حیثیت
۱۸	۱- منشاء و خواستگاه اعاده حیثیت
۲۰	۲- سابقه اعاده حیثیت در ایران
۲۰	۲-۱- دوران پیش از اسلام
۲۱	۲-۲- دوران اسلامی
۲۲	۲-۳- دوران معاصر
۲۳	۲-۳-۱- قبل از انقلاب اسلامی

۲۴	۲-۳-۲- بعد از انقلاب اسلامی
۲۵	۳- جایگاه اعاده حیثیت در دیدگاه مکاتب حقوقی
	۴- تحولات حقوق جزا
۲۶	بخش چهارم: مبانی اعاده حیثیت
۲۶	۱- مبانی حقیقی اعاده حیثیت
۲۷	۱-۱- اعاده حیثیت عام
۲۸	۱-۲- اعاده حیثیت خاص
۲۹	۲- مبانی جامعه شناختی اعاده حیثیت
۳۰	۳- مبانی جرم شناختی اعاده حیثیت
۳۲	۴- مبانی عرفی
۳۴	۵- مبانی شرعی (توبه در شریعت اسلام)
۳۵	۵-۱- معنی و مبنای توبه در اسلام
۳۷	۵-۲- زمان انجام توبه
۳۸	۵-۳- توبه در قانون مجازات اسلامی
۴۰	۵-۴- نحوه حصول اعاده حیثیت در حق الله و حق الناس
۴۱	۵-۵- اعاده حیثیت حق است یا حکم؟
۴۷	بخش چهارم: ادله فقهی اعاده حیثیت
۴۷	۱- آیات
۸۷	۲- روایات

۹۳	۳-اجماع
۹۴	۴- دلیل عقل و سیره عقلا
۹۴	۵- قاعده لاضرر و ضرورت اعاده حیثیت
۹۸	۶- قاعده ضمان ید و ضرورت اعاده حیثیت
۹۹	نتیجه فصل اول
۱۰۱	فصل دوم: بررسی مسائل اعاده حیثیت
۱۰۲	بخش اول: اشکال زوال حیثیت
۱۰۲	۱- زوال حیثیت شخص ناشی از عمل دیگران
۱۰۲	۱-۱- در اثراشتباه و تقصیر قاضی
۱۴۰	۱-۲- در اثراثر هتک حرمت (تهمت و افترا)
۱۵۶	۱-۳- در اثراقذف
۱۵۸	۱-۴- در اثراثر اتهامات واهی
۱۸۴	۲- زوال حیثیت شخص ناشی از عمل خودش
۱۸۸	۲-۱- زوال حیثیت در اثر محکومیت کیفری
۱۹۰	۲-۲- زوال حیثیت در اثر محرومیت از حقوق اجتماعی
۱۹۳	۲-۳- زوال حیثیت با ایجاد سجل قضائی
۱۹۴	بخش دوم: راههای پیشگیری و ارکان مسؤلیت مدنی در زوال حیثیت
۱۹۴	۱- راههای پیشگیری از زوال حیثیت
۱۹۷	۲- ارکان مسؤلیت مدنی در زوال حیثیت
۲۰۲	بخش سوم: انواع اعاده حیثیت

۲۰۲	۱- اقسام اعاده حیثیت
۲۰۰	۱-۱- اعاده حیثیت قانونی
۲۰۱	۱-۲- اعاده حیثیت قضایی
۲۰۶	۱-۳- اعاده حیثیت عرفی یا جبران خسارت معنوی
۲۰۸	۲- امکان جبران مادی ضرر معنوی
بخش چهارم: چگونگی کسب اعاده حیثیت و طرق نیل به آن	
۱- چگونگی کسب اعاده حیثیت	
۲۱۰	۱-۱- در صورت زوال حیثیت شخص از ناحیه دیگران
۲۱۰	۱-۲- در صورت زوال حیثیت شخص از ناحیه خودش
۲۱۱	الف- شروط نیل به اعاده حیثیت در محکومیت کیفری
۲۱۵	ب- نحوه کسب اعاده حیثیت
۲۱۶	۲- طرق نیل به اعاده حیثیت
۲۱۶	۲-۱- در صورت زوال حیثیت شخص از ناحیه دیگران
۲۱۸	۲-۲- در صورت زوال حیثیت شخص از ناحیه خودش
۳- عوامل رافع آثار محکومیت کیفری (که با آن مجرم به اعاده حیثیت نیل می شود)	
۲۱۹	۳-۱- عفو
۲۲۷	۳-۲- تعلیق اجرای مجازات
۲۳۷	۳-۳- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی
۲۴۳	۳-۴- اعاده حیثیت در نتیجه مرور زمان

۲۴۸	نتیجه فصل دوم
۲۵۰	فصل سوم: آثار و احکام اعاده حیثیت
۲۵۱	بخش اول: اعاده حیثیت در قانون مجازات اسلامی (بعد از انقلاب اسلامی)
۲۵۱	۱- نوآوری ها و اشکالات ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی
۲۵۶	۲- لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی
۲۵۷	۳- نوآوری ها و اشکالات لایحه پیشنهادی
۲۶۰	بخش دوم: آثار و فواید و ثمرات اعاده حیثیت
۲۶۰	۱- آثار نهاد اعاده حیثیت
۲۶۰	۱-۱- در صورت زوال حیثیت شخص از ناحیه دیگران
۲۶۱	۱-۲- در صورت زوال حیثیت شخص از ناحیه خودش
۲۶۱	الف- زوال آثار تبعی محکومیت کیفری (مجازات های تبعی)
۲۶۲	ب- زوال و امحاء سابقه محکومیت کیفری
۲۶۴	۲- فواید و ثمرات اعاده حیثیت
۲۶۷	بخش سوم: احکام اعاده حیثیت
۲۶۷	۱- تعیین مجازات اضافی برای شخصی که هتک حرمت کرده است.
۲۶۸	۲- آیا اعاده حیثیت به ارث می رسد؟
۲۷۲	۳- آیا اعاده حیثیت برخی از وراث برای مورث امکان پذیر است؟
۲۷۳	نتیجه فصل سوم
۲۷۵	نتایج و دست آوردهای پژوهش
۲۸۸	منابع و مآخذ

مقدمه:

هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد خداش در همه حال از بلا نگه دارد.

حافظ

از زمانی که محمد امین (ص) به عنوان آخرین رسول خدادر جزیره العرب مبعوث شد، و اسلام را به عنوان مکتب آزادی و آرمانی برای نجات بشریت به ارمغان آورد، انسان به عنوان اشرف مخلوقات که از جانب خداوند صاحب کرامت شناخته شده است (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ...^۱). همواره سعی بلیغی را مصروف پاسداری از این شرافت و کرامت خدادادی خود نموده است. چون کرامت و حیثیت هر انسان بعنوان سرمایه معنوی او در زندگی هر گاه در معرض خدشه و آسیبی قرار گیرد، آثار مخرب فراوانی تا مدت های مدیدی به جای می گذارد که به سهولت قابل ترمیم نیستند. از این رو تدوین قوانین و مقررات متعدد در حمایت از این سرمایه معنوی و تاسیس نهاد های حقوقی که در صد احیا و اعاده حیثیت برآیند در بسیاری از نظام های حقوقی مورد توجه حقوق دانان قرار گرفته است.

دین مبین اسلام هم که از دیدگاه قرآن کریم کامل ترین دین ها و شریعت ها است، برجسته ترین نظام حقوقی دنیا را دار می باشد، و برای کرامت و حیثیت و حقوق شهروندی انسانها جایگاه بسیار والایی را در نظر گرفته که در این پایان نامه این مسأله کاملاً اثبات می شود. دین اسلام در مورد انسان و شأن و شرافتش سنگ تمام گذاشته و حق مطلب را به طور کامل ادا کرده است. و در آیات و روایات بسیاری، احترام به انسانیت و بخصوص مؤمن را از جمیع محترمان بالاتر و ریختن آبروی او را از جمله گناهان کبیره بر شمرده و مانند ریختن خورش به شمار آورده است. خداوند انسان مؤمن را وابسته به خود معرفی کرده است و در آیات بسیاری خود را یار و یاور مؤمن معرفی می کند.^۲

^۱ - سوره الاسراء آیه ۷۰.

^۲ - آیه ۲۵۷ سوره بقره: * اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا * خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده اند. یا در آیه ۱۱ سوره محمد می فرماید: * ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا *

از تمام این آیات که بیان شد معلوم می شود که وابستگی مؤمن با خداوند بسیار آشکاراست و بدیهی است که هتک آبروی کسی که وابسته به خداوند است در اصل هتک حرمت به خداوند می باشد. و همچنین در روایات هم به این موضوع اشاره شده است.^۱

از این آیات و روایات که در ادامه و در متن به طور مفصل بیان خواهد شد، فهمیده می شود که چقدر عزت و آبروی مؤمن مورد توجه بوده و برای هتک آن عذاب دنیوی و اخروی قرار داده شده است.

ریختن آبروی اشخاص یا ضرر و خسارت رساندن به او به هر نحوی که باشد خواه به مسخره کردن یا دشنام دادن یا بد گفتن یا عیب گذاردن یا سرزنش و ذلیل و خوار کردن، سبک شماردن و اهانت کردن، هجو کردن یا آزدن مومن، جزء گناهان کبیره معرفی شده است. که خداوند برای آنها وعده عذاب داده است و هر کدام از موارد گفته شده به نوبه خود می توانند حیثیت و آبروی اشخاص را از بین برده یا باعث شود که شخص در جامعه جایگاه خود را از دست بدهد که این یعنی ضرر و خسارتی که شاید به هیچ وجه جبران نشود.

تعریف مسئله :

در فقه و حقوق کیفری منظور از اعاده حیثیت بازگرداندن حقوق تضییع شده فرد است و اینکه فرد پس از اعاده حیثیت به تمام شئون و وضع سابق خود نایل شود و جایگاه و موقعیت اجتماعی خود را دوباره به دست آورد. و می توان بحث اعاده حیثیت در امور کیفری را به سه دسته تقسیم نمود.

الف- بحث اعاده حیثیت در صورتی که زوال حیثیت از ناحیه دیگران باشد، نظیر موارد تهمت و افترا و توهین و نسبت ناروا به اشخاص.

ب - اعاده حیثیت متهم در صورتی که زوال حیثیت او از طرف اشخاصی (مثل شاکی خصوصی، قاضی یا مدعی العموم و یا ضابطین قضایی) که در محاکم قضایی به ناحق علیه او شکایت مطرح کرده اند او را متهم نمودند. یا با اشتباه و تقصیر به او ضرر و زیان وارد کردند، مثلاً متهم با اشتباه یا تقصیر قاضی محکوم به زندان شده است.

^۱ - حضرت محمد(ص) در این حدیث: ان ... خلق المومن من عظمته جلاله و قدرته فمن طعن علیه اورد علیه قوله فقد رد علیه ...* طعن بر مؤمن و رد گفته اش را رد بر خداوند می داند. - حج الوسائل، ج ۸، باب ۱۵۹

ج-اعاده حیثیت مجرم پس از تحمل مجازات و تنبیه و یا اینکه مشخص گردد مجرم پس از تحمل مجازات یا در حین تحمل مجازات بی گناه بوده است.

گاهی آسیب وارده به حیثیت و تمامیت شخص ناشی از عمل دیگران است (اعاده حیثیت عام) یعنی آبرو، عزت و احترام او در اثر تجاوز و تعدی افراد دیگر مورد خدشه قرار می گیرد که در مواردی نظیر اشتباه و تقصیر قاضی، هتک حرمت (توهین و افترا) کذب و اتهامات واهی، حیثیت شخص زایل می شود، بدیهی است به منظور حفظ کرامت و شخصیت وی این کسر آبرو و حیثیت باید حتی الامکان از طریق جبران خسارت معنوی و تشفی خاطر زیان دیده و مجنی علیه جبران گردد، که اصول ۱۹، ۳۹، ۳۸، ۳۶، ۳۳، ۳۲، ۲۵، ۲۲، ۲۰ فصل سوم قانون اساسی - و اصول ۱۷۱، ۱۶۶، ۱۶۵ قانون اساسی - مواد ۵۸ و ۶۹۸ ق.م.ا. و همچنین مواد ۸ و ۱۰ و ۲ و ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی بر اعاده حیثیت عام تاکید دارند. گرچه این نوع از اعاده حیثیت در حقوق ایران پذیرفته شده است، اما در خصوص نحوه اعاده حیثیت قوانین ما ساکت است و نقص بسیار فاحشی در این باره در قوانین ما وجود دارد، که با توجه به استدلال های محکم فقهی که در این پایان نامه ارائه خواهد شد، اعاده حیثیت این افراد بسیار ضروری است. و بایستی قوانین جامعی در این باره تدوین شود، که پیشنهادات خوبی در این باره ارائه خواهد شد.

و گاهی نیز لطمه وارده به حیثیت اجتماعی شخص ناشی از عمل خود اوست (اعاده حیثیت خاص) یعنی مجرم با تعرض به مقررات و قواعد جامعه و احیاناً تعدی به تمامیت مادی و معنوی اشخاص دیگر در واقع به شخصیت و آبروی خود لطمه میزند و شان و جایگاه اجتماعی خویش را مورد تنزل و بی اعتباری قرار می دهد. و با ارتکاب جرم علاوه بر اینکه به مجازات اصلی می رسد، به عنوان مجازات تبعی مدتی از حقوق اجتماعی محروم می شود، مثلاً مدتی از اشتغال به برخی از مشاغل محروم می شود یا از عضویت در کلبه انجمن ها و شوراهای محروم می شود.

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

در مورد اعاده حیثیت فقط در برخی از کتابهای حقوقی و مقالات مطالبی بسیار مختصر و به صورت پراکنده بیان شده است، و تاکنون در مورد آن به طور مفصل بحث نشده است. و در نظام حقوقی ایران ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر اصلی ترین ماده در رابطه با اعاده حیثیت است، تلاشی در خور اما ناقص برای اعاده حیثیت قانونی است که علاوه بر نواقص بسیار، ضعف اعاده حقوق اجتماعی به محکوم در آن ملموس است و این نواقص در چنین نهاد حساس و مهمی که ویتترین حقوق بشرو حقوق شهروندی محسوب می شود، شایسته نظام اسلامی که داعیه الگو بودن برای بشریت

دارد نمی باشد. و نیازمند بازنگری و اصلاح است و بایستی باب جدید و مجزایی درباره اعاده حیثیت در حقوق جزایی ایران گشوده شود و ضرورت دارد که نگاه جامعی به این مسأله شود.

در تبیین نهاد اعاده حیثیت در ایران بایستی گفت که در حال حاضر در قوانین مابۀ اعاده حیثیت به نحو عام با وجود نواقص آن تصریح شده است. اما در رویه قضایی به آن توجهی نمی شود و اگر کسی به دادگاه مراجعه نماید و به هر علتی (مثلاً توهین) ادعای زوال حیثیت کند، دادگاه صرفاً با توجه به قوانین جزایی پس از بررسی دقیق و اثبات جرم چنانچه این امر در قانون مجازات اسلامی جرم محسوب شود، و برای آن مجازات پیش بینی شده باشد حکم به مجازات مقرر می دهد و درباره نحوه اعاده حیثیت حکمی صادر نمی شود. اما درباره اعاده حیثیت خاص اگر چه ماده ۶۲ مکرر به اعاده حیثیت مجرم اشاره نموده است. اما واقعیت این است که گرچه ظاهراً محرومیت‌های اجتماعی از مجرم به استناد این ماده رفع می شود اما به دلیل نقص قانونی، محکومیت مجرمین و آثار آن برای همیشه باقی است. و همچون طوقی در گردن مجرم باقی می ماند و مجرم پس از خلاصی از مجازات و سپری کردن مدت محرومیت باز هم به حالت قبل از جرم باز نمی گردد و این دقیقاً به این معناست که اگر چه در حقوق ماتنهایی نوع از اعاده حیثیت وجود دارد اما همین هم عملاً بی فایده است.

در این باره نیز در قوانین سابق مواد ۵۷ و ۵۸ ق.م.ع تقریباً تکلیف این نوع از اعاده حیثیت مشخص شده بود. اما بعد از انقلاب اسلامی نهاد اعاده حیثیت جایگاه خاص خود را از دست داد. البته در سال ۱۳۶۶ قانونگذار قانون تعریف محکومیت‌های موثر کیفری را از تصویب گذراند، اما قانون مذکور به تعیین مجازات‌های تبعی اشاره ای نداشت. و این وضع ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۷۷ قانونگذار با الحاق ماده ۶۲ مکرر به قانون مجازات اسلامی تا حدودی به نقایص موجود پایان داد و با تعیین محرومیت‌های اجتماعی ناشی از جرم و تعیین مهلت‌های لازم جهت رفع اثر از آنها جانی تازه به نهاد اعاده حیثیت داد، که در این رابطه نیز این ماده قانونی اگر چه در حالی که اسمی از نهاد اعاده حیثیت نبرده است اما محتوای این ماده تا حدودی دال بر اعاده حیثیت از مجرم است. و دارای اشکالات و نواقص بسیاری است که مادرین پژوهش در این باره بحث خواهیم کرد. و به دلیل نقص قانونی، محکومیت مجرمین و آثار آن برای همیشه باقی است و بسیاری از مجرمین پس از گذشت سالها از اجرای مجازات، از اشتغال و استخدام در ادارات و سازمانها و نهادهای دولتی و خصوصی محروم هستند. که مشکلات فراوانی برای هزاران نفر از محکومین و خانواده آنها و به تبع آن برای جامعه بوجود می آید که تمامی این نواقص و ایرادات شایسته حکومت اسلامی نمی باشد، که در این زمینه هم پیشنهادات جامعی ارائه گردیده است.

وبا توجه به اینکه در حال حاضر در نظام حقوقی ایران ماده ۶۲ مکرر به عنوان اصلی ترین ماده اعاده حیثیت به شمار می آید، لذا ضروری است که علاوه بر قوانین و موادی که ذکر شد ماده مذکور به صورت مفصل و تکمیلی در مباحث متن مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

اعاده حیثیت به دو صورت قانونی و قضایی وجود دارد، اعاده حیثیت قانونی در قوانین پیش از انقلاب وجود داشت، که به صورت خودکار محکوم علیه پس از تحمل مجازات و گذاراندن مدت معین پس از مجازات، به حکم قانون به وضعیت پیش از ارتکاب جرم برگردانده می شد و گویی جرمی مرتکب نشده است و پس از آن جامعه با وی مانند دیگر افراد رفتار خواهد کرد، بعد از انقلاب خلاء این نوع از اعاده حیثیت احساس می شد که بالحق ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۷ اعاده حیثیت قانونی احیاشد اما همان طور که گفته شد کامل نیست. اما اعاده حیثیت قضایی به این معناست که فرد با مراجعه به محاکم قضایی درخواست اعاده حیثیت می کند و به صورت خودکار به اعاده حیثیت نایل نمی شود که این نوع از اعاده حیثیت در حقوق ماسابقه عملی ندارد.

اهداف:

۱- «وَكَاذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»

(و این چنین شمارا امتی قرار دادیم تا الگوی همه ی مردمان باشید)^۱

مسلم برای اینکه امت نمونه باشیم می بایست سعی کنیم که با برطرف کردن نواقص و معایب خود در همه زمینه ها بخصوص مواردی که از اهمیت زیادی برخوردار است و افکار عمومی جهان آن را با حساسیت دنبال می کنند، از جمله همین موضوعی که مابه آن می پردازیم، سعی کنیم ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی را آن گونه که هست، برای بشریت معرفی کنیم.

۲- یکی از مسائلی که همواره از بنگاه های سخن پراکنی غرب در جهت هجمه علیه حقوق اسلامی مطرح است این است که حقوق اشخاص در جامعه اسلامی رعایت نمی شود و فرد در جامعه اسلامی امنیتی در حقوق شخصی ندارد. لذا در این پایان نامه بایان آیات و احادیث صریح ضمن به چالش کشیدن این سخن گزاف، به تبیین این موضوع می پردازیم که حقوق اسلام جامع تر و کامل تر از آن

۱ - سوره مبارکه بقره آیه ۱۴۳

است که برآن این گونه خدشه ها وارد شود. یکی از بارزترین مصادیق از حقوق شخصی بحث اعاده حیثیت است که نظام حقوقی اسلامی با نگاه ویژه به آن پرداخته است.

۳- با توجه به اهمیت موضوع یکی از اساسی ترین اهداف، بیان ضرورت و اهمیت و حساسیت آن با رجوع به ادله فقهی است. و مادرپی احیای نهاد اعاده حیثیت به طور کامل در حقوق موضوعه هستیم، همان طور که در اسلام به آن پرداخته شده است.

۴- از آنجاکه نحوه اعاده حیثیت و چگونگی اعاده حیثیت در حقوق ایران مسکوت است، لذا در پی آنیم که بتوانیم برای این موضوع هم راه حلی ارائه نماییم تا شاید انشاء الله باری شود در جهت حل اساسی این موضوع.

۵- از آنجایی که در حال حاضر اصلی ترین مفاد قانونی مربوط به اعاده حیثیت در قوانین ما اصل ۱۷۱ ق.ا. و ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا است. مابه تحلیل و بررسی دقیق این مقررّه می پردازیم. و باین نواقص و معایب آن به دنبال رفع آن هستیم.

۶- در قوانین فعلی تنها به اعاده حیثیت برای مجرم (اعاده حیثیت خاص) پرداخته شده است، و به برطرف کردن محرومیتها و ممنوعیتهای اعمال شده به محکوم علیه در مدت مقرر در قانون توجه کافی نشده است، که این نوع از اعاده حیثیت که در قوانین مابین شده دارای معایب و نواقصی است، که بایستی رفع گردد. و علاوه برآن مابه دنبال آن هستیم که اعاده حیثیت عام هم در قوانین ماجایگاه خود رایباید.

۷- در قوانین فعلی مافقط اعاده حیثیت قانونی (برای مجرمین) مدنظر قانونگذار بوده است. و اعاده حیثیت قضایی از نظر قانونگذار دور مانده است که مابه دنبال آن هستیم که این نوع از اعاده حیثیت هم در قوانین ماجایگاه خود رایباید.

۸- محرومیت های اجتماعی مطرح شده در ماده ۶۲ مکرر ق.م.ا ناکافی و ناکارآمد و یادارای تبعات بدی برای جامعه است که مابا پرداختن به این موضوع در صدد بیان راه حل هستیم.

۹- و به عنوان اصلی ترین هدف مابه دنبال این هستیم که با ارائه پیشنهادات ابتکاری که در قسمت دست آورد پژوهش بیان شده است. معضلات و مشکلات اعاده حیثیت را در حقوق ایران برطرف کنیم و ان شاء الله نهادی ارائه کنیم که درخور نظام اسلامی باشد.

سوالات اصلی تحقیق:

- ۱- فردی که به او تهمت و افترا زده شده و یا توهین شده چگونه از او اعاده حیثیت می شود؟
- ۲- اعاده حیثیت متهم پس از رفع اتهام چگونه است؟
- ۳- چگونه از مجرم اعاده حیثیت می شود و پس از اعاده حیثیت مجرم دارای چه حقوقی است؟
- ۴- آیا اعاده حیثیت می تواند از لحاظ جرم شناسی نیز مورد توجه واقع شود؟ و یا اینکه در کاهش و پیش گیری از بزهکاری موثر باشد؟
- ۵- آیا نهاد توبه در اسلام رامی توان همان اعاده حیثیت محسوب نمود؟
- ۶- پس از اینکه حیثیت شخصی از ناحیه دیگران زایل شد آیا جبران چنین ضررمعنوی با جبران مادی آن امکان پذیر است؟ آیا می توان برای جبران ضرر حیثیتی پول پرداخت کرد؟
- ۷- حیثیت افراد حق است یا حکم؟ آیا کسی می تواند اعاده حیثیت را از خود سلب یا از خود ساقط کند، یا تعهد نماید که در آینده برای خود اعاده حیثیت نکند؟
- ۸- نحوه حصول اعاده حیثیت در حق الله و حق الناس چگونه است؟
- ۹- آیا مجازات شخصی که هتک حرمت کرده است کافی است؟ یا از باب اعاده حیثیت می توان مجازات یا اقدام دیگری علیه او پیش بینی کرد؟
- ۱۰- آیا اعاده حیثیت به ارث می رسد؟
- ۱۱- اگر تعدادی از وارثان از اعاده حیثیت مورث خود منصرف شوند آیا می توان گفت که بقیه ورث حق دارند اعاده حیثیت مورث خود را پیگیری نمایند؟

فرضیه ها:

- ۱- در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران نسبت به اعاده حیثیت به خصوص اعاده حیثیت متهم که به ناحق متحمل زیان وزندان و... شده، تأکید شده است. و فقه اسلامی سنگ بنای حفظ کرامت و احترام به حیثیت و حقوق شهروندی را در ۱۴۰۰ سال پیش گذاشته است و همواره بر آن تأکید کرده است، در نظام

حقوقی اسلام ضمن احترام گذاشتن به کرامت انسانی، از اتهام زدن نابجا و افترا و قذف به شدت نهی شده است و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

۳- فرد قذف شده دارای حقوقی است که مهمترین آنها حق تقاضای اعاده حیثیت است.

۴- نهاد توبه در فقه اسلامی نوعی اعاده حیثیت شخص مجرم و گناه کار است.

۵- می توان گفت که اعاده حیثیت جزء حقوق است و به ارث هم می رسد، یعنی وراثت می تواند برای مورث خود اعاده حیثیت کند.

۶- در صورتی که حیثیت شخصی از ناحیه دیگران زایل شده باشد و اعاده حیثیت او امکان پذیر نباشد و فرد شخص نیازمندی بوده و از نظر مالی در مضیغه باشد، می بایست فردی که حیثیت او را زایل کرده است جهت تشفی خاطر و کاستن از آلام او و عذرخواهی به او کمک مالی کند.

جنبه جدید بودن و نوآوری طرح:

الف- از آن جایی که به بحث اعاده حیثیت در کتابهای فقهی و حقوقی بسیار کم پرداخته شده است • لذا در این پایان نامه سعی بر این است که انشاءالله بحث اعاده حیثیت زنده شود و رد پای این بحث در ابواب فقهی پیگیری شود و در واقع اعاده حیثیت از لابلای ابواب فقه کشف شود و از بعد حقوقی هم به پهنای آن افزوده شود •

ب- پس از تحقیق و بررسی نتیجه این شد که بحث اعاده حیثیت در رویه محاکم قضایی خیلی مورد توجه نیست. بخصوص پس از این که کسی به ناحق از طرف قاضی یا مدعی العموم یا شاکی خصوصی در محاکم به عنوان متهم تحت پیگرد قضایی قرار گیرد. که پس از رفع اتهام نسبت به اعاده حیثیت رویه قضایی در این است که محاکم خیلی به اظهارات متهم نسبت به اعاده حیثیت توجهی ندارند. لذا بر آن شدم که این بحث را نیز پیگیری کنم شاید که بابتی شود در جهت احیای حقوق متهمان.

ج- تا آنجا که اینجانب تحقیق نمودم در حقوق ایران با این تفصیل به نهاد اعاده حیثیت از هر دو جنبه عام و خاص آن پرداخته نشده است. یعنی در صورتی که زوال حیثیت شخص از ناحیه دیگران باشد و همچنین در صورتی که زوال حیثت شخص از ناحیه خودش و با ارتکاب جرم باشد.

د-از آنجایی که لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی هم اکنون در دست بررسی می باشد و در آن برای اولین بار بعد از انقلاب به طور صریح در یک ماده قانونی به اعاده حیثیت پرداخته شده، در این پایان نامه برای اولین بار این لایحه پیشنهادی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و مزایا و معایب آن بیان شده است.

و-در این پژوهش به پدیده شاکیان حرفه ای پرداخته شده است، یعنی کسانی که مدام در دادگاه ها حاضر می شوند و چون قانون را می دانند با دورزدن قانون طعمه های خود را از میان مردم عامی انتخاب می کنند و با ابزار قانون و با سوء استفاده از جهل افراد عامی و با توجه به اینکه این افراد از محکوم شدن و بر باد رفتن آبرو و حیثیت خود بسیار می ترسند از این افراد به ناحق باج می گیرند و نهایتاً آنها را به ناحق محکوم می کنند، این شاکیان را ما دلالان حیثیت و آبرو معرفی کردیم که چوب حراج بر آبروی مردم می زنند و به تحلیل و بررسی این موضوع پرداختیم.

روش تحقیق:

تحقیق در این پایان نامه با مراجعه به کتابخانه و استفاده از کتابهای مربوط به موضوع با اولویت کتابهای مرجع صورت گرفته است. همچنین با توجه به این که امروزه نرم افزارهای جامع علوم قرآنی، روایی، فقهی و حقوقی گردآوری شده است. از این نرم افزارها هم در جهت تبیین بهتر مباحث استفاده شده است. و علاوه بر آن از مقالات علمی، پژوهشی در سایت ها و وبلاگ های مختلف با ذکر منبع و مأخذ آن استفاده شده است.

ساختار تحقیق: مطالب این پایان نامه در سه فصل به نگارش در آمده است، که هر فصل آن به چند بخش تقسیم شده است. در فصل اول تعاریف، ادله فقهی، مبانی و تاریخچه بررسی شده است. در فصل دوم اشکال زوال حیثیت، محکومیت کیفری، سجل کیفری و محرومیت های اجتماعی، چگونگی کسب اعاده حیثیت و انواع اعاده حیثیت و طرق نیل به اعاده حیثیت بررسی شده است. در فصل سوم نوآوریها و اشکالات ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر اصلی ترین ماده در رابطه با اعاده حیثیت است و همچنین لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی که هنوز در دست بررسی است بررسی شده و از آثار و احکام اعاده حیثیت بحث شده و در ادامه سؤالاتی با پاسخ آن درباره اعاده حیثیت مطرح شده و در پایان، دست آورد پژوهش بیان شده و پیشنهاداتی ابتکاری ارائه گردیده است. و سعی شده مباحث مذکور در عین رعایت ایجاز تفسیر و تحلیل شوند.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات